

# شهرهای سرافراز تاریخ

نوشته‌ی چهل نویسنده‌ی نامدار جهان

با ویراستاری

جان جولیوس نوروچ

John Julius Norwich

ترجمه‌ی

ابوالحسن تهامی



انتشارات معین

## در این کتاب:

- سخن مترجم ..... ۹
- از میان رودان تا کلان‌شهران ..... ۱۳
- جهان کهن ..... ۲۳
- اوروک: نخستین شهر جهان ..... ۲۶
- مُهِنجُ دَاژ: تمدن درّه‌ی سند ..... ۲۹
- میمفیس: پایتخت مصر کهن ..... ۳۲
- طیوه: و روزگار زرین مصر ..... ۳۶
- هتوسه: دژ-شهر امپراتوری حِتیان ..... ۴۴
- بایِل: نبوکد نصر و باغ‌های معلق ..... ۴۷
- نینوه (نینوا): کاخ‌ها و نیایشگاه‌های شاهان آشور ..... ۵۳
- کارتاژ: شهر فنیقی و شهر رومی ..... ۵۹
- آتن: زادگاه دموکراسی ..... ۶۲
- لینزی: و دیگر شهرهای ایالات ستیزه‌گر چین ..... ۶۸
- اسکندریه: کلان‌شهر مدیترانه به دوران بطالسه ..... ۷۲
- مه زُ: شهر سلطنتی نوبیا ..... ۷۷
- بیت‌المقدس: به دوران هرود و عیسا (ع) ..... ۸۰
- رُم: به دوران آگوستوس ..... ۸۶
- تختین هزاره‌ی میلادی ..... ۹۵
- تُئی هوآکان: زادگاه ایزدان ..... ۹۸
- تیکال: گهواره‌ی تمدن مایا ..... ۱۰۶
- قسطنطنیه (کنستانتینوپُل): پایتخت مسیحیت در شرق ..... ۱۱۲

۱۱۸ ..... مگه: شهر مقدس جهان اسلام  
 ۱۲۳ ..... دمشق: شکوهمندی‌های شهری کویری  
 ۱۲۹ ..... بغداد: و خلیفه‌های عباسی  
 ۱۳۴ ..... کوردو و (قُرطَبه): مرکز خلافت مغربیان در اسپانیا  
  
**جهان سده‌های میانی (قرون وسطا)**  
 ۱۴۰ .....  
 ۱۴۳ ..... آنگ‌کُر: درخشنده شهر خِمر  
 ۱۵۱ ..... پالمو: گوهر نورمن‌ها در مدیترانه  
 ۱۵۷ ..... قاهره: مرکز تمدن اسلامی  
 ۱۶۲ ..... سمرقند: شهر برگزیده تیمور لنگ  
 ۱۶۸ ..... پاریس: نقطه‌ی اوج در معماری گوتیک  
 ۱۷۴ ..... کراکو: شهر رنسانس در لهستان  
 ۱۷۹ ..... ونیز: بزرگ بانوی مدیترانه  
 ۱۸۵ ..... فلورانس: افتخار خاندان مدیچی  
 ۱۹۱ ..... تمبوکتو: شهری در شن‌ها  
 ۱۹۹ ..... کوزکو: شهر امپراتوری اینکا  
 ۲۰۴ ..... تنوچ تیتلان: شهر آزتک در دریاچه  
  
**جهان مدرن در آغاز**  
 ۲۱۰ .....  
 ۲۱۳ ..... لیسبون: در عصر اکتشاف  
 ۲۱۷ ..... رُم: و حکومت پاپ‌ها به هنگام رنسانس  
 ۲۲۴ ..... استانبول: شهر سلطان‌ها  
 ۲۳۰ ..... آگرا: شهر تاج‌محل  
 ۲۳۵ ..... اصفهان: شاه عباس و امپراتوری صفویه  
 ۲۴۱ ..... پکن: و شهر ممنوع  
 ۲۴۷ ..... کیوتو: باغ‌های دل‌گشا و کاخ‌های قرمز  
 ۲۵۳ ..... پراگ: شهر جادویی رودولف دوم  
 ۲۵۸ ..... آمستردام: و جمهوری هلند  
 ۲۶۵ ..... مکزیکوسیتی: آرمان شهر دنیای نو  
 ۲۷۰ ..... لندن: بازایی و بازسازی

۲۷۷ ..... استکهلم: و امپراتوری بالتیک سوئد  
 ۲۸۱ ..... دابلین: و برازندگی دوران شاه جورج  
 ۲۸۶ ..... کپنهاگ: و نوکلاسیسم اروپای شمالی  
 ۲۹۰ ..... سن پترزبورگ: پنجره‌ی روسیه به غرب  
 ۲۹۶ ..... وین: و امپراتوران هابسبورگ  
 ۳۰۲ ..... ادینبورگ (ادین بورو): و روشنگری اسکاتلندی  
  
 ۳۰۶ ..... روزگار شهر مدرن  
 ۳۰۹ ..... مسکو: پایتختی بی‌دربار  
 ۳۱۵ ..... پاریس: در زمان ناپلئون سوم و باژن آتوسمان  
 ۳۲۱ ..... لندن: از ملکه ویکتوریا تا مه‌بانگ  
 ۳۲۷ ..... بوداپشت: در دو سوی دانوب  
 ۳۳۰ ..... مونترال: مخالفتی که سازنده‌ی کانادا شد  
 ۳۳۴ ..... واشینگتن: جایی که ایده‌نولوژی دیدنی شد  
 ۳۴۰ ..... دهلی نو: نمادی در سنگ  
 ۳۴۶ ..... برلین: سرخوش در لبه‌ی آتشفشان  
 ۳۵۰ ..... شیکاگو: موتور آمریکا  
 ۳۵۶ ..... لس آنجلس: فرهنگ مهاجرت  
 ۳۶۲ ..... بوئنوس آیرس: شهر مزده‌های پایدار  
 ۳۶۵ ..... سنگاپور: شیر شهر  
 ۳۳۵ ..... نیویورک: نمای آینده  
 ۳۷۱ ..... نیویورک: از روزگار سرب تا روزگار زر  
 ۳۷۹ ..... سائو پولو: قهوه و بازرگانی  
 ۳۸۳ ..... سیدنی: از شهر آلونک‌ها تا شهر جهانی  
 ۳۸۱ ..... توکیو: شهر پیوسته در تغییر  
 ۳۹۵ ..... شانگهای: زبَر شهر چین

## سخن مترجم

این کتاب نتیجه‌ی بررسی‌های گسترده‌ی پنجاه و سه نویسنده‌ی معتبر است، که همه پس از نگارش و بازنگارش از صافی دقت و موشکافی ویراستار صاحب‌نامی چون جان جولوس نوریچ گذشته‌اند.

جان جولوس نوریچ از یک سو نشان از شاهان انگلیس دارد و عضو مجلس اعیان است و از سویی دیگر سیاهه‌ی بیش از چهل ترجمه و تالیف و ویراستاری و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را در کارنامه‌ی علمی خود دارد. ایشان کوشیده‌اند که از ۵۳ نگارش که به ۵۳ سبک گونه‌گون نوشته شده‌اند، کاری یک‌دست و همساز عرضه کنند، با این همه، از ورای ویراستاری ایشان ویژگی‌های متفاوت سبک هر نویسنده بازتاب می‌گیرد.

در ترجمه نیز، تا اندازه‌ی کم‌تر، این تفاوت سبک و سیاق به چشم می‌آید؛ گرچه همه‌ی مطالب با دست و ذهن یک مترجم، به فارسی درآمده است. این ترجمه مانند بسیاری ترجمه‌های تاریخی نیاز به یادداشت‌ها و روشن‌گری‌های مترجم دارد. اما این روشن‌گری‌ها را نمی‌شد مانند معمول در پانوشت کتاب آورد، زیرا بسیاری از صفحات کتاب را تصاویر زیبا و متنوع فرا گرفته و آوردن پانوشت در متن تصاویر به زیبایی آن‌ها لطمه می‌زد؛ از این‌رو، یادداشت‌ها و روشن‌گری‌های مترجم، همه در میان [قلاب] قرار داده شده‌اند. در سرتاسر کتاب نویسندگان نیز روشن‌گری‌هایی داشته و آن‌ها را در میان (پرانتر) گذاشته‌اند. سبک نگارش بیش‌ترین نویسندگان، سبکی ادیبانه و در عین حال همه فهم است، که در ترجمه نیز این مهم در نظر بوده است. در این کتاب بسیار واگویه‌ها و گفت‌آوردهاست از شخصیت‌های هم‌روزگار ما و از نویسندگان سده‌های دور. در ترجمه کوشیده‌ام که به واگویه‌های سده‌های عتیق رنگ و رویی کهن بزنم و البته واگویه‌های مردم هم‌روزگار ما به زبان امروزی ست.

نویسه‌ی خارجی بسیاری نام‌های کسان و جاها و کتاب‌ها در کنار نویسه‌ی فارسی آمده است. نویسه‌ی خارجی نام شهرها که زیرنویسه‌ی فارسی می‌آید،

نویسه و تلفظ آن شهر به زبان انگلیسی را نشان می‌دهد.

مرجع این ترجمه در برگردان نام‌های تاریخی کهن و تاریخ هجری، به ویژه در مورد شهرهای اسلامی و مصر باستان، دائرةالمعارف مصاحب بوده و مترجم از روشن‌گری‌های این گنجینه‌ی دانش در ترجمه‌اش سودهای بسیار برده است. سرچشمه‌ی دیگر برای روشن کردن مطالب گاه ناروشن کتاب، اینترنت و دانش‌نامه‌ی ویکی پدیا (انگلیسی) بوده، و با سپاس از این دو سرچشمه‌ی خرد، شاید بخشی از وام خود را پرداخته باشم.

ابوالحسن تهامی

تهران - شهریور ۱۳۹۱

## از میان رودان تا کلان شهران

آمدن جامعه‌های کوچک و بزرگ، در بعضی زیستگاه‌ها کارهایی سر برآوردند که هر یک برای انجام وظیفه‌ی خود به بنایی ویژه نیاز داشتند. برای نمونه: نیایشگاه، که در آن آیین نیایش ایزدان به جا آید؛ کاخ، تا فرمانروا درون‌اش مقام گیرد؛ انبارها، تا فرآورده‌های کشاورزی در آن نگاه داشته شوند؛ میدان‌ها و گرمابه‌ها، که مردم در آن‌ها گرد آیند و خستگی کار روزانه را بگیرند. و در گرداگرد زیستگاه‌ها به دیوار نیاز بود تا زیستگاه را از خطر حمله‌ی مهاجمان ایمن دارد. تقاضا برای کالاها یا زیورهای سرفرازی آور، داد و ستد و بازرگانی را از پی آورد؛ که این امر در جای خود بستگی داشت به نزدیکی دریا یا رودخانه‌ی بزرگ. و بدین ترتیب بود که این زیستگاه‌ها گسترش گرفتند و دهکده‌ها به ده تبدیل شدند،

یکی از بزرگ‌ترین ناهمسازی‌های تاریخ آن است که شهرها و آبادی‌ها را از پدیده‌های کشاورزی می‌داند. پیش از آن‌که مردمان راه‌های شخم زدن و دانه‌افشانی را بیاموزند، زندگی‌شان از رهگذر شکار می‌گذشت؛ و شکارگران بیابان‌گرد بودند، و هر جا که شکار می‌رفت آنان نیز دنبال‌اش را می‌گرفتند. خانواده‌های شکارگر شرط عقل نمی‌دانستند که حتا به هنگام فراوانی شکار نزدیک هم سرپرده برپا کنند. اما کشاورزی جز آن بود، و همکاری مردم و یک‌جانشینی در بناهایی بادوام را طلب می‌کرد. با ظهور کشاورزی در ۸۰۰۰ ق.م.، و یا در سال‌هایی نزدیک به آن، معماری نیز زاده شد و مردمان نزدیک کشت‌زارهاشان خانه‌های گروهی و نزدیک به هم ساختند. پس از آن با گذر سده‌ها، و با در کنار هم



کشاورزی در مصر، که چه‌گونگی‌اش در این مقبره نگاره‌ی طیوه دیده می‌شود، به طغیان‌های هر ساله‌ی رود نیل بستگی داشت. مصر، بی رود نیل و طغیان‌های سالیانه‌اش، صحرایی بیش نمی‌بود.